

سری کتاب‌های آموزشی

دوران‌دینسان

جامع نکات حقوق تجارت

بر کوشش:

هادی رستمی محمدآبادی

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۷.....	تجار و معاملات تجارتي
۱۵.....	دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي
۱۸.....	شرکت‌های تجارتي - در اقسام مختلف شرکت‌ها و قواعد راجع به آنها
۲۰.....	لايحه قانوني اصلاح قسمتي از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴
۲۸.....	سهام
۳۵.....	اوراق قرضه
۳۸.....	مجامع عمومي - مجمع عمومي مؤسس
۴۱.....	مجمع عمومي فوق‌العاده
۴۳.....	مجمع عمومي عادي
۵۰.....	هيأت مديره
۶۲.....	بازرسان
۶۵.....	تغييرات در سرمايه شرکت
۷۱.....	انحلال و تصفيه
۷۸.....	حساب‌های شرکت
۸۰.....	مقررات مختلف مربوط به شرکت‌های سهامی
۸۳.....	شرکت‌های تجاري
۸۹.....	شرکت با مسئوليت محدود
۹۶.....	شرکت تضامني
۱۰۱.....	شرکت مختلط غير سهامی
۱۰۴.....	شرکت مختلط سهامی
۱۰۶.....	شرکت نسبي
۱۰۹.....	شرکت‌های تعاوني توليد و مصرف
۱۱۳.....	مقررات راجع به ثبت شرکت‌ها ونشر شرکت‌نامه‌ها

۱۱۴.....	تصفیه امور شرکت‌ها
۱۱۷.....	برات
۱۲۱.....	قبول و نکول
۱۲۶.....	قبولی شخص ثالث
۱۲۸.....	وعده برات
۱۲۹.....	ظهنویسی
۱۳۳.....	مسئولیت
۱۳۹.....	پرداخت
۱۴۳.....	تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۱۴۵.....	حقوق و وظایف دارنده برات
۱۵۰.....	اعتراض (پروتست)
۱۵۱.....	برات رجوعی
۱۵۳.....	قوانین خارجی
۱۵۴.....	فته طلب
۱۵۹.....	چک
۱۶۴.....	قانون صدور چک
۱۷۲.....	ویژگی‌های قانون جدید صدور چک بانکی
۱۷۶.....	مرور زمان
۱۷۷.....	اسناد در وجه حامل
۱۷۸.....	دلالتی
۱۸۱.....	حق‌العملکاری (کمیسیون)
۱۸۴.....	قرارداد حمل و نقل
۱۸۸.....	قائم‌مقام تجاری و سایر نمایندگان تجاری
۱۹۰.....	ضمانت
۱۹۲.....	ورشکستگی
۱۹۸.....	تعیین ناظر- اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته

۲۰۰.....	مدیر تصفیه و وظایف مدیر تصفیه
۲۰۱.....	رفع توقف و ترتیب صورت دارایی
۲۰۳.....	قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۲۰۸.....	اقسام مختلطه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
۲۰۹.....	دعوی استرداد
۲۱۱.....	طریق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
۲۱۲.....	ورشکستگی به تقصیر و تقلب
۲۱۶.....	اعاده اعتبار
۲۱۸.....	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴
۲۲۳.....	اسم تجارتي

تجار و معاملات تجاری

۱. قانون‌گذار ایران برای شناخت تاجر از سیستم موضوعی - شخصی پیروی کرده است.
۲. ماده ۱ قانون تجارت بر مبنای نظریه موضوعی و ماده ۳ قانون تجارت بر مبنای نظریه شخصی است.
- ✓ ماده ۱ ق.ت.: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد» این ماده براساس سیستم موضوعی است.
۳. براساس نظریه موضوعی حقوق تجارت، اساس حقوق تجارت بر روی معاملات تجاری استوار است نه شخص تاجر.
- ✓ در نظریه موضوعی حقوق تجارت، اعمال تجاری دارای اهمیت هستند.
۴. براساس نظریه شخصی حقوق تجارت هیچ‌گونه معامله‌ای تجاری محسوب نمی‌شود مگر آنکه بوسیله تاجر صورت گیرد.
- ✓ در نظریه شخصی حقوق تجارت، شخص تاجر مورد اهمیت است و معاملات به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آن‌ها تجاری محسوب می‌شود.
۵. تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.
۶. قرار دادن اعمال تجاری به‌عنوان شغل یعنی فعالیت برای امرار معاش.
۷. امور تجاری اموری است که در ماده ۲ قانون تجارت، ذکر گردیده یا به موجب قوانین دیگر (مثل تصویب‌نامه‌ها راجع به انبار عمومی) تجاری شناخته شده‌اند.
۸. اگر عمل تجاری باشد ولی شغل معمولی نباشد، عمل تجاری است ولی شخص تاجر نیست.
۹. برای تاجر شدن باید عمل ذاتاً تجاری انجام داد و تاجر باید این اعمال را به نام و حساب خود انجام دهد زیرا تجارت شغلی است مستقل و اگر کسی به نام و حساب دیگری عمل تجاری انجام دهد آن عمل آمر را تاجر می‌کند نه انجام‌دهنده آن را.
۱۰. فقط کسی تاجر است که دستگاه تجاری متعلق به اوست (نه خدمه‌اش) و سود و زیان ناشی از اعمال تجاری متوجه او می‌باشد.
۱۱. حتی اگر افراد خدمه درصدی از سود را بگیرند (در سود سهیم باشند) و یا حقوق ثابت بگیرند تاجر نیستند.

۱۲. مزدبگیران که با تنظیم قرارداد کار با کارفرما فعالیت می‌کنند، هرچند که در بنگاه تجاری انجام وظیفه نمایند، تاجر نیستند.
۱۳. برای تاجر شدن مباشرت داشتن یا شغل انحصاری بودن (تجارت) شرط نیست.
۱۴. هر شخص برای تاجر شدن لازم نیست صرفاً به کارهای تجاری بپردازد بلکه اگر در کنار آن به کارهای غیر تجاری دیگر هم مشغول باشد باز هم تاجر تلقی می‌شود.
۱۵. معاملات تجاری جنبه اتفاقی دارد و ممکن است فقط یکبار انجام شود ولی فعالیت تجاری جنبه مستمر دارد، لذا تاجر کسی است که فعالیت تجاری دارد.
۱۶. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد ذاتاً تجاری است.
۱۷. خرید یا تحصیل مال منقول به هر طریقی که باشد در صورتی که به قصد فروش و یا اجاره باشد تجاری است.
۱۸. خرید به قصد فروش تجاری است، حتی اگر به قصد سود بردن نباشد.
۱۹. منظور از تحصیل، کلیه طرق به دست آوردن مال (تملک) است.
۲۰. خرید یا تحصیل اموال مادی قابل لمس، تجاری است.
۲۱. اگر خرید یا تحصیل تجاری نباشد، فروش یا اجاره هم تجاری نیست.
۲۲. عمل خرید و تحصیل مال منقول ذاتاً تجاری تلقی می‌شود و عمل فروش یا اجاره مالی که به همین قصد خریداری یا تحصیل شده وصف تجاری آن تبعی است.
۲۳. لزومی ندارد که خرید یا تحصیل مال قبل از فروش آن وقوع پیدا کند.
۲۴. شرکت‌های تجاری، تاجر محسوب می‌شوند، چه موضوع آن‌ها تجاری باشد و چه از لحاظ شکلی تجاری باشند.
۲۵. کارمند دولتی که در خارج از وقت اداری به تجارت اشتغال دارد تاجر محسوب می‌شود.
۲۶. در عقد مضاربه، مضارب تاجر محسوب می‌شود.
۲۷. شخصی حتی اگر به موجب قانون از انجام دادن اعمال تجاری ممنوع باشد یا اینکه عمل تجاری را به صورت پنهان انجام دهد یا به وسیله اشخاص دیگری که به ظاهر به نام و برای خود و در عمل به نام او عمل می‌کنند، صرفاً به دلیل انجام دادن اعمال تجاری، تاجر است.

۲۸. موضوع فعالیت شرکت تعاونی اگر انجام دادن یکی از اعمال تجاری مندرج در ماده ۲ قانون تجارت باشد، شرکت تجاری و در غیر این صورت شرکت تعاونی، موسسه غیر تجاری است.
۲۹. پیش‌بینی سود برای تشکیل‌دهندگان شخص حقوقی ملاک تشخیص تاجر بودن نخواهد بود، زیرا هم در مورد شرکت تجاری و هم در مورد مؤسسات غیر تجاری جستجوی سود و تقسیم آن بین اعضاء مجاز می‌باشد.
۳۰. تاجر برای معامله باید اهلیت داشته باشد.
۳۱. محجورین بجز محجور ممیز نمی‌توانند تاجر شوند.
۳۲. صغیر ممیز می‌تواند تاجر شود و ورشکسته گردد.
۳۳. برای اینکه محجور ممیز بتواند تعهد تجاری قبول کند یک‌بار اجازه کلی اشتغال به پیشه‌وری برای او کافی است.
۳۴. تجارت محجور از طریق ولی یا قیم، نه ولی یا قیم را تاجر می‌کند، (به دلیل این که به نام و حساب دیگری تجارت می‌کنند) و نه محجور را. (چون اهلیت لازم را ندارند).
۳۵. معاملات برواتی (صدور، قبول، ظهرنویسی و ضمانت) ذاتاً تجاری است اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
۳۶. سفته و چک ذاتاً تجاری نیستند ولی این دو سند در صورتی تجاری هستند که برای امور تجاری داده شده باشند. در این صورت تجاری تبعی‌اند.
۳۷. صغیر ممیز می‌تواند با اجازه ولی یا قیم برات صادر کند.
۳۸. پذیرهنویسی و خرید اوراق قرضه عملی تجاری نیست. (تنها معاملات برواتی تجاری‌اند).
۳۹. پذیرهنویسی سهام شرکت‌های سهامی تجاری نیست.
۴۰. معامله سهام یک شرکت تجاری نیست (فقط معاملات برواتی تجاری‌اند). اما همین عمل برای تاجر، عمل تجاری تبعی است مشروط بر اینکه برای امور تجاری باشد.
۴۱. کسی که شغل خود را تنزیل بروات قرار دهد تاجر است.
۴۲. معاملات برواتی و معاملات شرکت‌های سهامی، تجارتی حکمی هستند.
۴۳. منظور از اعمال تجاری حکمی آن دسته از اعمال است که در واقع و براساس ضوابط پذیرفته شده در مورد اعمال تجاری ذاتی، تجاری نیستند اما قانونگذار بنا به مصالحی احکام و آثار

اعمال تجارتي را بر آن‌ها بار می‌کند. از این‌رو تجاری تلقی کردن این نوع اعمال نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

۴۴. منظور قانونگذار از عمل تجاری تولیدی، تبدیل شیئی به شیئی دیگر در کارخانه است نه نفس ایجاد و راه‌اندازی کارخانه.

✓ تبدیل شیئی به شیئی دیگر در کارخانه وقتی تجارتي است که به قصد فروش باشد.

۴۵. در کارخانه، کار اصلی را ماشین انجام می‌دهد. برخلاف کارگاه که انسان کار اصلی را انجام می‌دهد.

۴۶. کارخانه‌داری به شرطی عمل تجارتي محسوب می‌شود که محصول برای تأمین حوائج شخصی نباشد.

۴۷. خدمات مالی عبارتند از: ۱. خدمات بانکی؛ ۲. صرافی؛ ۳. عملیات بیمه؛ ۴. بورس.

۴۸. منظور از عملیات صرافی، تبدیل پول کشوری به پول کشور دیگر است.

۴۹. منظور عملیات بانکداری انجام اعمال متعددی است که اهم آن‌ها عبارتند از: افتتاح حساب‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری، اعطای وام و اعتبار، صدور، تأیید و قبول ضمانت‌نامه‌ها.

۵۰. عملیات بانکی ذاتاً تجاری، اعمالی هستند که سنتاً به وسیله بانک‌ها انجام می‌شده‌اند.

۵۱. تمام بانک‌های کشور به صورت شرکت سهامی اداره می‌شوند و تمام شرکت‌های سهامی چه خاص و چه عام تاجرند (به‌صرف شکل آن‌ها).

✓ صندوق‌های قرض‌الحسنه را نمی‌توان بانک و تاجر تلقی کرد. جز در دو فرض ۱. به صورت شرکت سهامی باشند. ۲. به معاملات مذکور در ماده ۲ قانون تجارت پردازند.

۵۲. با وجود ملی شدن بانک‌ها عملیات بانکی کماکان تجارتي است.

۵۳. بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز خسارت، خسارت وارده بر او را جبران کند یا وجه معین بپردازد.

۵۴. اعمال بیمه بحری و غیر بحری، تجاری است.

۵۵. امروزه بیمه‌گرها (مؤسسات بیمه) شخص حقوقی هستند نه شخص حقیقی.

۵۶. شرکت‌ها یا مؤسسات بیمه باید به صورت شرکت سهامی خاص اداره شوند.

۵۷. معیار غیرتجاری بودن موسسه، غیرتجاری بودن موضوع فعالیت آن است.

۵۸. عملیات تجارتي توزیعی: } تهیه و رساندن ملزومات
 ↪ ذاتاً تجارتي‌اند } خرید یا تحویل مال منقول به قصد فروش

۵۹. عملیات تجارتي خدماتي: خدمات واسطه‌اي } دلالان
 حق‌العمل کاران } ← ذاتاً تجارتي‌اند
 عاملان }

۶۰. متصدیان تأسیساتی که برای انجام دادن بعضی امور ایجاد می‌شوند:

تسهیلات معاملات ملکی }
 پیدا کردن خدمه } ← ذاتاً تجارتي‌اند

۶۱. اعمال تجاری که باید به صورت تصدی‌گری باشد (در قالب مؤسسه (بنگاه) باشد و نیاز به تکرار دارند تا تجاری محسوب گردند) عبارتند از:

۱. تصدی به حمل‌ونقل که مستلزم برقراری بنگاه یا مؤسسه‌ای است که ابزار خاصی دارد و به امر حمل‌ونقل می‌پردازد.

✓ مطلق حمل‌ونقل عمل تجارتي است چه حمل‌ونقل کالا باشد و چه مسافر (دریایی یا زمینی یا...)
 ✓ متصدی حمل‌ونقل باید اجرت دریافت کند و گرنه عمل وی تجاری نیست.

۲. تصدی به نمایشگاه عمومی

۳. تصدی به حراجی: تصدی به عملیات حراجی زمانی مصداق دارد که اموال عرضه شده برای فروش به متصدی حراج تعلق نداشته باشد.

۴. تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه.

۶۲. تصدی به نمایشگاه عمومی باید مستمر و برای جلب نفع باشد و الا نمایشگاهی که به صورت اتفاقی و برای امور خیریه تشکیل می‌شود، جنبه تجارتي ندارد.

۶۳. تصدی به نمایشگاه هنری اگر برای فروش باشد تجاری است.

۶۴. تأسیساتی که برای انجام دادن بعضی امور ایجاد شده‌اند مثل: واسطه شدن در معاملات راجع به املاک مانند خرید و فروش و رهن و اجاره (نه انجام خود این اعمال)، بنگاه‌های تبلیغاتی، بنگاه‌های مسافرتی، بنگاه‌های فروش بلیط و نمایشگاه‌های عمومی، بنگاه‌هایی که برای کارگردانان بازیگر پیدا می‌کنند، تجارتي می‌باشند.

۶۵. در مورد تأسیساتی که برای تهیه و رساندن ملزومات ایجاد شده‌اند، باتوجه به عبارت تأسیسات منظور اعمالی است که مستمر باشند نه دفعتاً، مانند توزیع نفت و گاز. درحالی که استخراج این مواد جنبه مدنی دارد خواه این مواد متعلق به توزیع‌کننده باشد یا نه.

- ✓ برای تجارتی بودن عمل این مؤسسات فرقی ندارد که کالای توزیعی متعلق به خود آنها باشد یا متعلق به دیگران.
۶۶. تجار واسطه‌ای آن‌هایی هستند که خدمت خود را وسیله تسهیل امور مشتریان خود اعم از تجار و اشخاص غیرتاجر قرار می‌دهند بدون آنکه همراه با کمک به مشتریان در انعقاد معاملاتشان مالی نیز در اختیار آنها قرار دهند.
۶۷. حمل‌ونقل تا زمانی که در غالب مؤسسه نباشد تجاری نیست مانند راننده تاکسی که عمل او تجاری نمی‌باشد. (برای تجارتی بودن باید در قالب مؤسسه و به صورت تصدی به حمل‌ونقل باشد تا تجاری محسوب گردد.)
۶۸. آژانس‌ها تاجر هستند. ولی فقط مسئولین و صاحب آژانس‌ها تاجرند نه راننده‌ها.
۶۹. خریدوفروش اموال غیرمنقول مطلقاً عمل تجاری نیست، چه بین تجار باشد و چه توسط شرکت سهامی باشد.
۷۰. خرید زمین یا ساختمان موجود برای ایجاد ساختمان جدید به قصد فروش یا اجاره تجارتی است.
۷۱. معاملات غیرمنقول تنها توسط شرکت‌هایی که به منظور ساخت و فروش آپارتمان ایجاد شده‌اند تجارتی است ولی خرید ساختمان موجود به قصد فروش تجارتی نیست.
۷۲. معاملات غیرمنقول شرکت‌های سهامی، تجاری نیست.
۷۳. دادوستد یک مال غیرمنقول میان دو شرکت تجاری، تجارتی نیست ولی باید در دفتر تجارتی شرکت‌ها ثبت شود.
۷۴. وساطت معاملات ملکی می‌تواند هم به صورت تصدی به تسهیل معاملات ملکی و هم به صورت غیر تصدی و صرفاً به صورت فردی و توسط شخص دلال انجام پذیرد. (در هر دو صورت عمل ذاتاً تجاری است).
۷۵. دلالی، حق‌العمل کاری و بیمه اموال غیرمنقول، تجارتی ذاتی است.
۷۶. بنگاه معاملات ملکی، عمل ذاتاً تجاری است.
۷۷. معاملات غیرمنقول تجاری نیستند اما تسهیل معاملات غیرمنقول تجاری است.
۷۸. تشکیلات دولتی برعکس تشکیلات تجاری، با انجام دادن اعمال تجاری تاجر تلقی نمی‌شوند، به این دلیل که برای سود بردن به این امور نمی‌پردازند.
۷۹. شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.

۸۰. اعمال شرکت‌های سهامی حتی اگر تجارتی هم نباشد، تجاری است مگر مربوط به غیرمنقول باشد.
۸۱. انبار عمومی به صورت شرکت سهامی تأسیس و موسسه بازرگانی محسوب می‌شود.
۸۲. حق‌العمل‌کاری در گمرک مستلزم داشتن تابعیت ایران است.
۸۳. کسانی می‌توانند به حق‌العمل‌کاری در گمرک بپردازند که کارمند دولت نباشند.
۸۴. اگر کارگزار بورس به نام خود و به حساب دیگری دادوستد کند (حق‌العمل‌کاری) عمل او تجاری است. اما هرگاه به نام و حساب خود عمل کند تاجر نیست (خریدوفروش سهام تجاری نیست).
۸۵. نداشتن پروانه مانع از حکومت مقررات قانون تجارت در دلالتی و حق‌العمل‌کاری نیست.
۸۶. بیگانگان نمی‌توانند در اتاق‌های بازرگانی شرکت یا عضویت داشته باشند.
۸۷. خریدوفروش و معاملات راجع به کشتی و ساخت آن و کشتیرانی داخلی و خارجی ذاتاً تجاری است.
۸۸. کشتیرانی وقتی تجاری است که مبتنی بر قصد انتفاع، یعنی در حوزه عمل تجارت دریایی باشد به این ترتیب کشتیرانی نظامی عمل تجاری محسوب نمی‌شود.
۸۹. خدمات و کلای دادگستری به هیچ‌وجه تجارتی محسوب نمی‌شود.
۹۰. پیشه‌ور تاجر نیست. (پیشه‌ور با معیار کار شخصی‌اش روی اشیاء شناخته می‌شود). در تمام مواردی که شخص حرفه‌ای مالی را می‌خرد و قصد فروش آن را نیز دارد اما درآمد او حاصل از فروش مال نیست بلکه ناشی از کار او بر روی اشیاء است، هرچه ارزش کار به نسبت مال بیشتر باشد، عمل تجاری نیست.
۹۱. کسبه جزء تاجرنند.
۹۲. انجام دلالتی، نمایش فیلم، آژانس مسافرتی، حمل‌ونقل هوایی یا تأسیس انبارهای عمومی نیاز به کسب مجوز از دولت دارد. این اجازه‌نامه‌ها جنبه شخصی دارند یعنی به شخص تاجر داده می‌شوند.
۹۳. پارکینگ‌داری هم مانند انبارداری تجاری است.
۹۴. اتباع خارجه حق تجارت در ایران را ندارند مگر در زمینه‌هایی که منع خاصی وجود دارد.
۹۵. محدودیت در اشتغال به تجارت به دو نوع تقسیم می‌شود: محدودیت مربوط به اشخاص، محدودیت مربوط به موضوع.
- ✓ به موجب برخی از قوانین بعضی از اشخاص از اشتغال به تجارت ممنوع هستند.

۹۶. در داوری تجاری بین‌المللی داور می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری تصمیم‌گیری کند.
۹۷. در داوری تجاری بین‌المللی، دادگاه عمومی مرکز استانی که مقر داوری در آن استان واقع است و در صورت عدم تعیین مقر داوری، دادگاه عمومی تهران صلاحیت رسیدگی به درخواست ابطال رأی داور را دارد.
۹۸. اعمال تجارتهای تبعی اعمالی هستند که ذاتاً غیر تجارتهای می‌باشند ولی به جهت آنکه به‌وسیله تاجر انجام می‌گیرند، تجارتهای تلقی می‌شوند.
۹۹. معاملات تجارتهای تبعی به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتهای محسوب می‌گردد.
۱۰۰. کلیه معاملات بین شرکتهای تجاری یا بین تاجر و بانکها، تجارتهای تبعی است البته اگر ذاتاً تجاری نباشد.
۱۰۱. کلیه معاملات شرکتهای تجارتهای به‌استثناء معاملات غیرمنقول، تجارتهای تلقی می‌شوند.
۱۰۲. معاملات بین بانکهای دولتی و خصوصی تجارتهای است.
۱۰۳. اصل بر این است که کلیه معاملات تاجر، تجارتهای است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.
۱۰۴. کلیه معاملات تاجر با غیرتاجر در صورتی که برای رفع حوائج تجاری باشد، تجارتهای تبعی است.
۱۰۵. معاملات بین دو تاجر در هر حال تجارتهای است به‌استثنای اموال غیرمنقول.
۱۰۶. معاملات اجزاء و خدمه تاجر برای رفع حوائج تجارتهای تاجر، تجارتهای تبعی است.
۱۰۷. هرگاه موضوع اختلاف تجاری است، دعوا نیز تجارتهای است.
۱۰۸. در مورد شرکتهای تجاری دعاوی ناشی از شبه‌عقد (مثل ایفای ناروا) یا خارج از قرارداد مانند دارا شدن بلاجهت، جنبه تجاری دارد همانطور که تمام تعهدات قراردادی او جنبه تجاری دارد (مانند هبه، ضمانت و...)
۱۰۹. رهن اگر بین دو تاجر و برای امور تجاری باشد یا از جانب یک شرکت داده شده باشد (بجز رهن غیرمنقول) تجارتهای محسوب می‌شود.
- ✓ اما اگر رهن برای دین تجاری و از جانب یک غیرتاجر داده شده باشد، تجارتهای نیست.
۱۱۰. مطالبات فقط از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول می‌باشند و معاملات راجع به آنها تجارتهای نمی‌باشند.

دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

۱۱۱. دفتر ثبت تجاری مخصوص ثبت‌نام اشخاصی است که به شغل تجارت اشتغال دارند. ✓ هرکس در ایران به شغل تجارت مبادرت ورزد باید نامش را در محلی که مشغول فعالیت است به ثبت برساند.
۱۱۲. تقاضای دادن رونوشت مصدق از دفاتر ثبت شرکت‌ها برای عموم مردم آزاد است.
۱۱۳. چنانچه تاجر اطلاعات نادرست به اداره ثبت برای ثبت در دفتر ثبت تجارتي اداره بدهد از این جهت اداره ثبت از مسئولیت میرا است.
۱۱۴. کسبه جزء مکلف به ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتي نیستند.
۱۱۵. معیار شناسایی کسبه جزء:
- کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آنها که فروش سالیانه آنان از چهار میلیارد ریال تجاوز نمی‌کند.
 - ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای که عایدی غیرخالص آنها متجاوز از دو میلیارد ریال نباشد.
۱۱۶. اگرچه ثبت‌نام شخص در دفتر ثبت تجاری اماره (قضایی) بر تاجر بودن اوست اما کسی که ثبت‌نام کرده است می‌تواند خلاف آن را اثبات کند.
۱۱۷. در ایران شرکت تجاری برای پیدا کردن شخصیت حقوقی نیازی به ثبت در دفتر ثبت تجاری ندارد.
۱۱۸. ثبت شرکت در دفتر ثبت تجارتي الزامی است اما موجد شخصیت حقوقی نیست.
۱۱۹. اقدام به بعضی فعالیت‌های بازرگانی منوط به ثبت‌نام تاجر در دفتر ثبت‌نام تجاری است مثل واردات و صادرات.
۱۲۰. دفاتر تجارتي وسیله نظارت در امور مؤسسات تجارتي و تجارتخانه‌ها می‌باشند.
۱۲۱. هر تاجر موظف است دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی و دفتر کپیبه داشته باشد.
۱۲۲. کسبه جزء تاجر می‌باشند ولی از داشتن دفاتر تجاری معاف هستند.
۱۲۳. در صورتی که تاجر دفتر داشته باشد، درآمد او از روی دفاتر (به شرط قانونی بودن) تشخیص داده شده و مالیات اخذ می‌شود.

۱۲۴. صرف نگهداری دفاتر تجارته شخصی را تاجر نمی‌کند، همچنان که نداشتن دفاتر تجارته، صفت تاجر بودن را زایل نمی‌کند.
۱۲۵. تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و دادوستد تجارته و معاملات راجع به اوراق تجارته خود را در دفتر روزنامه وارد کند.
۱۲۶. دفتر کل دفتر دسته‌بندی انواع معاملات تاجر است. ✓ دفتر کل تاجر باید هر هفته مرتب شود.
۱۲۷. در دفتر روزنامه کلیه معاملات و عملیات تاجر به ترتیب تاریخ انجام آن‌ها ثبت می‌گردد.
۱۲۸. دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را در آن ثبت کند.
۱۲۹. دفتر دارایی باید به صورت سالانه و تا پانزدهم فروردین سال بعد تنظیم شود.
۱۳۰. به جای دفتر دارایی از ترازنامه استفاده می‌شود.
۱۳۱. قانونگذار در مورد شرکت‌های سهامی عام و خاص تنظیم ترازنامه را ضروری دانسته و از وظایف هیئت مدیره قرار داده است.
۱۳۲. برای اینکه دفاتر تجاری بتوانند صورت قانونی به خود بگیرند و معتبر شناخته شوند باید توسط نماینده اداره ثبت اسناد کنترل و امضاء شوند.
۱۳۳. ثبت و امضای دفتر دارایی توسط نماینده اداره ثبت حداکثر تا سی اسفند ماه هر سال به عمل می‌آید.
۱۳۴. چنانچه در جایی اداره ثبت تأسیس نشده باشد امضاء و پلمپ دفاتر تجاری برعهده دادگاه است.
۱۳۵. دفاتر روزنامه، دفتر کل و دارایی باید قبل از آنکه هرگونه چیزی در آن نوشته شود، پلمپ شوند. (یعنی توسط نماینده اداره ثبت امضاء شوند.)
۱۳۶. دفتر کپیبه نیازی به امضاء ندارد ولی اوراقش باید دارای نمره باشد.
۱۳۷. دفتر کپیبه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌های خود را در آن ثبت نماید.
۱۳۸. تاجر باید دفاتر تجارته خود را از ختم هر سال مالی لااقل تا ۱۰ سال نگه دارد.
۱۳۹. دفتر تجاری در صورتی که مطابق قانون مرتب‌شده باشند بین تاجر در امور تجارته سندیت دارند.

۱۴۰. دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد و فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود.
۱۴۱. در صورتی که دعوا تجاری نباشد، اعم از اینکه بین دو تاجر یا بین تاجر و غیر تاجر باشد دفتر تجاری به نفع تاجر سندیت ندارد و فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود.
۱۴۲. قید دین در دفتر تجاری به منزله اقرار کتبی است.
۱۴۳. دفاتر تاجر زمانی علیه تاجر دلیل محسوب می‌شود که دعوا مربوط به معاملات تجاری باشد.
۱۴۴. چنانچه دفاتر تاجر مطابق قانون تجارت تنظیم نشده باشند فقط بر علیه صاحب دفتر معتبر می‌باشد.
۱۴۵. دفاتر تاجر حتی اگر مخدوش هم باشند علیه صاحب آن اعتبار دارد.
۱۴۶. هرگاه در دعوا میان دو تاجر دفاتر آنها که مطابق قانون تنظیم شده تعارض داشته باشند هیچ کدام از دفاتر علیه صاحبان آنها اعتبار ندارند. (در صورتی که قاضی نتواند به هر دلیلی یکی را بر دیگری برتری دهد).
۱۴۷. دفاتر تجاری سند عادی هستند.
۱۴۸. دفتر تاجر علیه تاجر، دلیل است.
۱۴۹. دفتر تاجر علیه غیر تاجر، اماره است.
۱۵۰. نداشتن دفاتر تجاری برای بازرگان جرم محسوب و مرتکب به جزای نقدی محکوم و ممکن است مالیات را از وی به صورت علی‌الرأس اخذ کنند و در صورت ورشکستگی ممکن است به ورشکستگی به تقصیر محکوم شود.
۱۵۱. هرگاه معلوم شود که تاجر ورشکسته دفاتر خود را مفقود نموده است به ورشکستگی به تقلب محکوم می‌شود.
۱۵۲. هیچ بازرگانی نمی‌تواند به بهانه نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفاتر خود امتناع کند مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد.
۱۵۳. در صورت عدم ارائه یا ابراز دفتر از سوی تاجر، دادگاه می‌تواند آن را از قرائن مثبته اظهار طرف او بداند.

شرکتهای تجاری - در اقسام مختلف شرکتها و قواعد راجع به آنها

۱۵۴. ماده ۵۸۸ ق.ت. مقرر می‌دارد: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، نبوت و امثال آن.»
- ✓ بنابراین قانون تجارت ایران هیچ‌گونه محدودیتی برای حقوق شرکت‌های تجاری قائل نشده است و اشخاص حقوقی تابع همان مقررات و اصولی هستند که برای اشخاص عادی وضع شده است.
- ✓ ولی باید در نظر داشت که حقوق و وظایف شرکت محدود به موضوعی می‌شود که در اساسنامه آن پیش‌بینی شده است و از آن حدود نمی‌تواند تجاوز نماید.
۱۵۵. اقامتگاه شرکت: شخصیت حقوقی دارای اقامتگاه مستقلی غیر از اقامتگاه شرکاء است. ✓ اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که ادارهٔ شخص حقوقی در آنجا است.
۱۵۶. قصد انتفاء از عناصر سازنده شرکت‌های تجاری است.
۱۵۷. شرکت‌های تعریف شده در حقوق تجارت ایران عبارت‌اند از: سهامی، با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی، تعاونی و تعاونی سهامی عام
۱۵۸. هر شرکت تجاری، شخصیت حقوقی دارد. شخصیت حقوقی شرکت مستقل از شخصیت حقوقی شرکاء است.
۱۵۹. در تمام شرکت‌های تجاری، شرکاء می‌توانند شرکت تجاری باشند.
۱۶۰. در شرکت تجاری اصولاً سود و زیان به نسبت سرمایه بین شرکاء تقسیم می‌شود.
۱۶۱. اشخاص زیر کلاهبرداند:
۱. کسانی که به وسایل متقلبانه سهم‌الشرکه غیر نقدی را به بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.
 ۲. مدیرانی که با نبودن صورت‌داری یا به استناد صورت‌داریی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

۳. مؤسسين و مديرانى كه برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه نقدى و تقويم و تسليم سهم‌الشرکه غير نقدى را در اوراق و اسنادى كه بايد براى ثبت شركت بدهند اظهار کرده باشد.

۱۶۲. **شركت‌هاى اشخاص:** در شركت‌هاى اشخاص شخصيت شركاء اهميت بسيارى دارد و اعتبار شركت بستگى به اعتبار شركاء دارد و سرمايه شركت نقش عمده‌اى را ندارد.
 ✓ شركت‌هاى تضامنى و نسبى جزء شركت‌هاى اشخاص هستند.

۱۶۳. **شركت‌هاى سرمايه:** در شركت‌هاى سرمايه‌اى آنچه كه اهميت دارد ميزان سرمايه‌اى است كه شركاء شركت وارد شركت مى‌كنند و تا همين ميزان مسئول هستند.
 ✓ شركت‌هاى سهامى و با مسئوليت محدود در زمره شركت‌هاى سرمايه‌اى هستند.

لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴

۱۶۴. شرکت‌های تجاری تاجر محسوب می‌شوند چه موضوع آن‌ها تجاری باشد و چه از لحاظ شکلی تجاری باشند.
۱۶۵. شرکت‌های موضوعاً تجاری عبارتند از:
۱. تضامنی؛ ۲. نسبی؛ ۳. با مسئولیت محدود؛ ۴. مختلط (سهامی یا غیرسهامی)
۱۶۶. تشکیلات غیرتجاری اگر عملاً به انجام اعمال تجاری بپردازند و اعمال معنوی آن‌ها در فرع قرار گیرد شرکت تجاری هستند حتی اگر به اسم، شرکت تجاری نباشند که در این صورت شرکت تضامنی می‌باشند.
۱۶۷. شرکت‌های دولتی با انجام دادن اعمال تجاری، تاجر تلقی نمی‌شوند، زیرا برای سود بردن به این امور نمی‌پردازند.
- ✓ شرکت‌های دولتی تا آنجا که در اساسنامه آن‌ها قید نشده باشد، شکل شرکت سهامی را دارند.
۱۶۸. تمام اعمال شرکت‌های تجاری (جز معاملات غیرمنقول) تجاری است، اگر به انجام اعمال مندرج در ماده ۲ ق.ت. بپردازند، اعمال آن‌ها تجارتی ذاتی و اگر به سایر اعمال بپردازند (یعنی اعمال مدنی) تجاری تبعی است.
۱۶۹. مسئولیت صاحبان سهام در شرکت‌های سهامی در مقابل بدهی‌های شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام است (نه مبلغ واقعی).
۱۷۰. شرکای شرکت سهامی می‌توانند حتی شرکت تضامنی باشند.
۱۷۱. شرکت سهامی، شرکت سرمایه‌ای است.
۱۷۲. شرکت با مسئولیت محدود شرکت سرمایه‌ای است نه شرکت اشخاص.
۱۷۳. برای تأسیس شرکت سهامی نیاز به اخذ مجوز از دولت نیست.
۱۷۴. شرکت سهامی، تنها شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده است.
۱۷۵. موضوع شرکت سهامی می‌تواند تجاری نباشد.
۱۷۶. شرکت سهامی مطلقاً شرکت بازرگانی محسوب می‌شود حتی اگر موضوع فعالیت آن امور بازرگانی نباشد.

۱۷۷. شرکت سهامی به عنوان شرکت تجارتي شناخته می‌شود و کلیه اقداماتی که انجام می‌دهند نیز تجارتي خواهند بود.
۱۷۸. شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می‌شود شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص.
۱۷۹. در شرکت سهامی عام مؤسسين قسمتی از سرمایه را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند.
۱۸۰. شرکت سهامی خاص نمی‌تواند قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین کند.
۱۸۱. معیار و ملاک تقسیم شرکت‌های سهامی به عام و خاص نحوهٔ تأمین سرمایه آن‌ها است.
۱۸۲. تعداد شرکاء در شرکت سهامی عام حداقل پنج نفر است.
۱۸۳. تعداد شرکاء در شرکت سهامی خاص حداقل سه نفر است.
۱۸۴. در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.
۱۸۵. آوردن عبارت شرکت سهامی عام یا خاص در اسم این‌گونه شرکت‌ها الزامی است.
۱۸۶. تشکیل بانک فقط به صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام ممکن است.
۱۸۷. شرکت سهامی قبل از ثبت دارای شخصیت حقوقی است ولی مجوز فعالیت ندارد.
۱۸۸. در موقع تأسیس، سرمایه شرکت سهامی عام نباید از پنج میلیون ریال کمتر باشد.
۱۸۹. در موقع تأسیس، سرمایه شرکت سهامی خاص نباید از یک میلیون ریال کمتر باشد.
۱۹۰. در صورتی که سرمایه شرکت سهامی بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مقرر در قانون کمتر شود باید:
۱. ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید.
 ۲. یا به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد.
- وگرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.
- هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.
۱۹۱. حداقل سرمایه تنها برای شرکت‌های سهامی عام و خاص مقرر شده، و سایر شرکت‌ها حداقل سرمایه مشخصی ندارند و می‌تواند به هر میزانی باشد.

۱۹۲. در شرکت سهامی تعهد شرکاء اگر نقد باشد باید سی و پنج درصد آن در ابتدا پرداخت شود ولی اگر غیر نقد باشد تماماً در ابتدا در اختیار شرکت قرار گیرند و تقویم شود.
۱۹۳. هر حق غیرمادی (مانند حق اختراع) که برای شرکت ارزش مالی داشته باشد و در قبال آن بتوان پول پرداخت کرد را می توان با تقویم به عنوان آورده غیر نقدی قبول کرد و از لحاظ حسابداری نیز در بیلان شرکت به عنوان دارایی قید کرد.
۱۹۴. در شرکت سهامی عام هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیر نقد باشد، باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضمائم آن به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نمود.
۱۹۵. در هنگام تأسیس شرکت سهامی عام آورده غیر نقد تنها از مؤسسين پذیرفته می شود.
۱۹۶. پذیرهنویسی تنها در شرکت سهامی عام به عمل می آید.
۱۹۷. پذیرهنویس نمی تواند آورده غیر نقد داشته باشد.
۱۹۸. در شرکت سهامی عام مؤسسين باید اقلأً ۲۰ درصد کل سرمایه شرکت را تعهد کنند و ۳۵ درصد مبلغ تعهد شده را (نه کل مبلغ) بپردازند.
۱۹۹. در شرکت سهامی عام حداکثری برای میزان تعهد مؤسسين مشخص نشده است.
۲۰۰. در شرکت سهامی خاص، مؤسسين باید کل سرمایه شرکت را تعهد کنند و ۳۵ درصد کل سرمایه شرکت را بپردازند.
- ✓ در شرکت سهامی خاص امکان اینکه آورده شرکاء تماماً به صورت غیر نقد باشد وجود دارد. در این صورت باید تمامی آن تقویم و تسلیم گردد.
۲۰۱. مهلت پرداخت مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود به هر حال متجاوز از پنج سال نخواهد بود.
۲۰۲. در شرکت سهامی عام، طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیرهنویسی باید به امضای کلیه مؤسسين رسیده باشد.
- ✓ طرح اساسنامه شرکت بیانگر ایجاب مؤسسين در انعقاد قرارداد شرکت با پذیرهنویسان است.
۲۰۳. اظهارنامه شرکت در حکم شناسنامه شرکت و اساسنامه در حکم قانون اداره شرکت است.
۲۰۴. مؤسسين شرکت سهامی باید اظهارنامه و طرح اساسنامه و طرح اعلامیه پذیرهنویسی را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم نمایند.

- ✓ اظهارنامه‌ای که به منظور تأسیس شرکت سهامی عام به مرجع ثبت شرکت‌ها داده می‌شود باید به امضای تمامی مؤسسين رسیده باشد.
۲۰۵. مرجع ثبت شرکت‌ها باید اظهارنامه و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی را جهت انطباق با قانون بررسی کند و در صورت تطبیق با قانون اجازه انتشار آن را می‌دهد.
۲۰۶. اساسنامه شرکت سهامی باید مشتمل بر مبلغ سرمایه و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک باشد.
۲۰۷. در طرح اساسنامه شرکت سهامی عام نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود قید می‌شود.
۲۰۸. مرجع ثبت شرکت‌ها تکلیفی به تحقیق در مورد اطلاعات داده شده توسط مؤسسان ندارد و در قبال دادن اطلاعات غیر صحیح مؤسسان به پذیره‌نویسان مسئول نیست.
۲۰۹. آگهی پذیره‌نویسی به منزله پیشنهاد مؤسسان به عموم مبنی بر تشکیل شرکت سهامی است.
۲۱۰. انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی توسط شرکت سهامی عام، منوط به صدور مجوز توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و اداره ثبت شرکت‌هاست.
۲۱۱. در صورتی که در هر شرکت حداقلی برای خرید سهام وجود دارد باید در اعلامیه پذیره‌نویسی ذکر شود.
۲۱۲. پذیره‌نویسی هر سهم عبارت است از عمل حقوقی که به موجب آن شخص تعهد می‌کند با تأمین قسمتی از سرمایه شرکت در حدود مبلغ آورده شده در شرکت سهامی عام شریک شود.
۲۱۳. پذیره‌نویسی باید در مدت معینی صورت گیرد.
۲۱۴. پذیره‌نویسی باید به صورت واقعی انجام شود اگر پذیره‌نویسی به صورت صوری واقع شود پذیره‌نویسی باطل است.
۲۱۵. در صورتی که پذیره‌نویسی توسط نماینده صورت گیرد باید هویت نماینده و مدرک مثبت سمت او ارائه شود.
۲۱۶. امضای ورقه تعهد سهم در شرکت سهامی عام به‌خودی‌خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام است.
۲۱۷. ورقه تعهد سهم به امضای پذیره‌نویس می‌رسد و امضای آن به‌خودی‌خود مستلزم قبول اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی است.

۲۱۸. هرگاه سرمایه شرکت به طور کامل تعهد نشود و سرمایه تعهد شده کمتر از مبلغ تعیین شده در طرح اساسنامه باشد، مجمع عمومی مؤسسان نمی‌تواند تصمیم به تقلیل سرمایه بگیرد زیرا پذیره نویسان ورقه تعهد سهم را با فرض اینکه سرمایه شرکت به اندازه مبلغ معین شده در طرح اساسنامه است، پذیرفته و امضا نموده‌اند بنابراین برای تقلیل سرمایه رضایت همه شرکاء اعم از مؤسسان و پذیره‌نویسان لازم است.

۲۱۹. هرگاه اشتباه پذیره‌نویسی ناشی از تدلیس مؤسسان باشد، پذیره‌نویسی باطل و بلااثر است.

۲۲۰. تمام اشخاصی که دارای اهلیت هستند می‌توانند در پذیره‌نویسی شرکت کنند، چه اشخاص حقیقی باشند و چه اشخاص حقوقی. مع‌الذالک اشخاص حقوقی در حدود هدف و اساسنامه خود مجاز به این امر هستند.

۲۲۱. چون پذیره‌نویسی عمل حقوقی است و پذیره‌نویس بدین وسیله در امور مالی خود دخالت می‌کند پذیره‌نویس باید اهلیت تمتع و استیفاء داشته باشد و گرنه باید از طریق نماینده اقدام کند.

۲۲۲. از آنجا که پذیره‌نویسی عمل تجاری تلقی نمی‌شود، لازم نیست اشخاص حق تجارت داشته باشند تا بتوانند پذیره‌نویسی کنند.

۲۲۳. قبول پذیره‌نویسی از جانب مؤسسان لازم نیست.

۲۲۴. هرگاه سرمایه جمع‌آوری شده با پذیره‌نویسی بیش‌ازحد تعیین شده باشد ابتدا اگر در اعلامیه پذیره‌نویسی ترتیبی مقرر شده باشد براساس آن عمل می‌شود و الاً هرکدام از موارد پذیره‌نویسی که تاریخ آن مقدم است را مقدم می‌شمارد و کسانی که تاریخ پذیره‌نویسی آن‌ها بعد از زمانی است که جمع سرمایه به حد تعیین شده رسیده، از عضویت در شرکت ممنوع هستند.

۲۲۵. بطلان ورقه تعهد سهم به علت عدم رعایت شرایط شکلی ماده ۱۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، سبب بطلان شرکت نیست و اگر موجب بطلان ورقه تعهد بعداً برطرف شود، از بطلان ورقه سهم رفع اثر می‌شود.

۲۲۶. در حقوق ما صرف تنظیم سند عادی در مورد احراز پذیره‌نویسی کفایت می‌کند.

۲۲۷. هرگاه پذیره‌نویسی از مؤسسان طلبی داشته باشد نمی‌تواند از طریق تهاتر طلب خود را به پرداخت آورده نقدی اختصاص دهد.

۲۲۸. صنعت را نمی‌توان به عنوان آورده به شرکت سهامی آورد.

✓ در شرکت‌هایی هم که آوردن صنعت به عنوان آورده معقول است (مثل شرکت تضامنی)، سرمایه صنعتی در بیلان شرکت قید نمی‌شود.

۲۲۹. قانونگذار اجازه نداده است که حین تشکیل شرکت سهامی عام، یا افزایش سرمایه، پذیرهنویسان بجز وجه نقد چیزی به عنوان آورده به شرکت بیاورند.
۲۳۰. بطلان پذیرهنویسی تعدادی از پذیره نویسان به سبب عدم رضایت یا عدم اهلیت موجب بطلان شرکت نخواهد بود و می‌توان یا سرمایه شرکت را تا مبلغ پذیرهنویسی باطل تقلیل داد و یا شخص دیگری را جانشین پذیرهنویسی کرد که عمل او باطل است.
۲۳۱. مؤسسين شرکت سهامی حداکثر تا یکماه از زمان انقضای پذیرهنویسی به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی می‌کنند.
۲۳۲. مؤسسين شرکت سهامی پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد شده است و اینکه اقلأسی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هریک از پذیرهنویسان را تعیین و اعلام می‌کنند.
۲۳۳. مؤسسين شرکت سهامی پس از احراز اینکه سرمایه شرکت تماماً تعهد شده است و پس از تعیین تعداد سهام هریک از پذیرهنویسان مجمع عمومی مؤسس را دعوت نمایند.
۲۳۴. شرکت مکلف نیست برای فرد حساب باز کند و سود را به حساب او بریزد یا حتی به او اعلام کند.
۲۳۵. منظور از ثابت ماندن سرمایه یا غیرقابل برداشت بودن آن، این است که مبلغ سرمایه همیشه در بیلان به عنوان یکی از ارقام بدهی شرکت نوشته شود و نمی‌توان به عنوان سود تمام یا قسمتی از آن را میان صاحبان سهام تقسیم کرد.
۲۳۶. هیأت مدیره بورس توسط شورای بورس انتخاب می‌شوند و وظیفه اداره بورس اوراق بهادر را بر عهده دارند.
- ✓ شورای بورس عالیترین رکن بازار اوراق بهادر است.
۲۳۷. دادوستد اوراق بهادر در بورس اوراق بهادر توسط کارگزاران بورس انجام می‌گیرد.
۲۳۸. بورس اوراق بهادار در قالب شرکت سهامی عام تاسیس و اداره می‌شود.
۲۳۹. شرکت سهامی از زمان قبول کتبی سمت توسط مدیران و بازرسان پس از مجمع عمومی مؤسس تشکیل شده محسوب می‌شود.
۲۴۰. از تاریخ تصویب اساسنامه و انتخاب مدیران و بازرسان در مجمع عمومی مؤسس و اعلام قبول کتبی سمت‌ها توسط مدیران و بازرسان، شرکت سهامی تشکیل شده محسوب می‌شود.
۲۴۱. شخصیت حقوقی شرکت سهامی عام پس از اعلام قبولی کتبی اولین مدیران شرکت به وجود می‌آید.

۲۴۲. شرکت سهامی بدون آنکه ثبت شود، تشکیل می‌شود، اما شرکاء نمی‌توانند از سرمایه شرکت استفاده کنند مگر آنکه شرکت به ثبت رسیده باشد.
۲۴۳. اگر شرکت پس از ثبت معاملات قبل از ثبت را قبول نکند می‌توان تعهد ناشی از این‌گونه معاملات را برعهده مؤسسان گذاشت.
۲۴۴. مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند.
۲۴۵. در حقوق ایران پس از تشکیل شرکت تا زمانی که به ثبت نرسیده است مسئولیت مؤسسان به قوت خود باقی است.
۲۴۶. استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت.
۲۴۷. شرکت سهامی بیش از هر چیز یک قرارداد است. ایجاد شرکت سهامی نیاز به کسب مجوز از دولت ندارد و رژیم حاکم بر بطلان شرکت همان رژیم عام قراردادهاست.
۲۴۸. شخصیت حقوقی شرکت وابسته، مستقل از شرکت اصلی است.
- ✓ تشکیل شرکت وابسته مستلزم این است که شرکت اصلی با اشخاص دیگر سرمایه‌گذاری کند.
۲۴۹. شعبه شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل نیست، زیرا آنچه شعبه تعهد می‌کند، به حساب شرکت اصلی است و مدیر شعبه نماینده شرکت است.
۲۵۰. تشکیل شعبه شرکت باید در اساسنامه درج و به مرجع ثبت شرکت‌ها هم اعلام شود.
۲۵۱. مرکز اصلی شرکت، اقامتگاه آن محسوب می‌شود که باید در اساسنامه قید شود و تغییر آن در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است، چون از موارد تغییر اساسنامه است.
۲۵۲. فوت یا حجر شرکاء که در شرکت تضامنی به انحلال احتمالی شرکت منجر می‌شود در موجودیت شرکت سهامی تأثیر ندارد.
۲۵۳. در صورتی که شرکت سهامی عام تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسد، هر یک از پذیره‌نویسان و مؤسسين می‌توانند از مرجع ثبت شرکت‌ها گواهی حاکی از عدم ثبت شرکت را درخواست دارند این گواهی به بانک ارسال می‌شود پس از آن مؤسسين و پذیره نویسان می‌توانند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند.
- ✓ این مدت در شرکت سهامی خاص، شش ماه از زمان تشکیل شرکت می‌باشد.

✓ در صورت صدور گواهی‌نامه عدم ثبت شرکت از سوی مرجع ثبت شرکت‌ها، هرگونه هزینه‌ای که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده مؤسسين است.

۲۵۴. مرحله اول تشکیل شرکت سهامی عام تأسیس آن به وسیله مؤسسان است. مؤسس می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

۲۵۵. اساسنامه در شرکت سهامی عام پس از تصویب در مجمع عمومی مؤسس به امضاء هیئت ریسه می‌رسد و نیازی به امضای همه سهامداران نیست.

✓ اساسنامه شرکت سهامی خاص باید به امضای کلیه سهامداران برسد و تهیه طرح اساسنامه و تصویب بعدی آن ضروری نیست. در شرکت سهامی خاص انتخاب اولین مدیران و بازرسان لزوماً با امضای کلیه سهامداران شرکت است اعم از آن که مجمع عمومی مؤسس تشکیل شود یا تشکیل نشود.

۲۵۶. برای تأسیس شرکت سهامی خاص، اساسنامه شرکت باید به امضای کلیه سهامداران شرکت رسیده باشد.

۲۵۷. در شرکت سهامی خاص انتخاب اولین مدیران و بازرسان لزوماً با امضای کلیه سهامداران شرکت است اعم از آن که مجمع عمومی مؤسس تشکیل شود یا نشود. (تشکیل مجمع عمومی مؤسس در شرکت سهامی خاص الزامی نیست).

۲۵۸. در مورد شرکت سهامی خاص تشریفات پذیرهنویسی وجود ندارد و بنابراین ورقه تعهد سهم نیز وجود ندارد.

۲۵۹. شرکت سهامی خاص نمی‌تواند سهام خود را برای پذیرهنویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند یا به انتشار آگهی و اطلاعیه یا هر نوع اقدام تبلیغی برای فروش سهام خود مبادرت کند، مگر از مقررات شرکت سهامی عام تبعیت کنند.

۲۶۰. فقط شرکت سهامی عام می‌تواند:

۱. سهام خود را در بورس عرضه دارد.

۲. اقدام به انجام پذیرهنویسی کند.

۳. سهام خود را در بانک عرضه دارد.

۴. برای فروش سهام اقدام به آگهی یا اطلاعیه یا اقدام تبلیغاتی نماید.

سهام

۲۶۱. سهم قسمتی است از سرمایه یک شرکت سهامی که مشخص‌کننده میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی است.
۲۶۲. تنها تعهد دارنده سهم در شرکت سهامی پرداخت مبلغ اسمی سهم است.
۲۶۳. اوصاف سهام: ۱. قابلیت نقل و انتقال دارد. ۲. از اوراق بهادار است. ۳. مال منقول است.
۲۶۴. اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لااقل دو نفر که به موجب اساسنامه تعیین می‌شوند برسد.
۲۶۵. سهام به بانام و بی‌نام تقسیم می‌شود.
۲۶۶. سهام بانام سهمی است که در ورقه راجع به آن نام صاحب سهم قید شده و یا در دفتر سهام شرکت ثبت شده است.
۲۶۷. سهام بی‌نام سهمی است که ورقه راجع به آن متضمن نام صاحب سهم نیست.
۲۶۸. مزیت سهام بی‌نام در سرعت نقل و انتقال آن است (با قبض و اقباض منتقل می‌شود).
۲۶۹. از معایب سهام بی‌نام این است که به هنگام مفقود شدن و سرقت و خیانت‌دramانت اثبات مالکیت آن دشوار است.
۲۷۰. تمام سهام یک شرکت سهامی می‌تواند بانام باشد ولی بی‌نام بودن همه سهام این شرکت‌ها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در شرکت سهامی مدیران باید تعدادی سهام را به‌عنوان وثیقه جهت تضمین خسارت ناشی از تقصیرات مدیریت اختصاص دهند که حتماً باید به‌صورت بانام باشند.
۲۷۱. تعهدات صاحبان سهام همان است که قبول کرده‌اند و نمی‌توان با تغییر اساسنامه تعهد جدیدی برعهده آن‌ها گذاشت یا تعهدات فعلی آنان را گسترش داد.
۲۷۲. سهم دارای یک مبلغ اسمی است که به موجب اساسنامه معین می‌شود و یک ارزش واقعی که ممکن است کمتر یا بیشتر از ارزش اسمی آن باشد.
۲۷۳. قیمت بورسی سهم قاعداً از قیمت واقعی سهم تبعیت می‌کند ولی ممکن است قیمت بورسی سهم با قیمت واقعی آن تفاوت بکند.

۲۷۴. ارزش سهم براساس ترازنامه شرکت معین می‌گردد و برحسب اینکه این ترازنامه به‌طور صحیح تدوین شده باشد یا خیر ارزش سهم نیز یا حقیقی است یا صوری.
۲۷۵. در قانونگذاری ما تجزیه سهم به قطعات سهم مجاز است.
۲۷۶. مبلغ اسمی هر سهم و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متساوی باشند.
۲۷۷. در شرکت سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.
۲۷۸. در شرکت سهامی خاص محدودیتی در مورد مبلغ اسمی سهام وجود ندارد.
۲۷۹. سهم انتفاعی سهمی است که به صاحب آن حق می‌دهد بدون داشتن حقی به سرمایه شرکت از منافع شرکت به نسبت سهم خود بهره‌مند گردد.
۲۸۰. سهم انتفاعی وقتی مصداق دارد که به دلیل استهلاك سهام، ارزش اسمی سهم با استفاده از اندوخته‌های اختیاری یا سود قابل تقسیم به صاحب آن پرداخت شود و سهام مستهلك شده باید باطل شود، دارنده سهم انتفاعی تمام حقوق سابق خود را حفظ می‌کند بجز آنکه در حین تصفیه شرکت نمی‌تواند ارزش اسمی سهم خود را دریافت کند، چرا که قبلاً آن را دریافت کرده است.
۲۸۱. سهم جایزه سهمی است که در ازاء اضافه ارزشی که از سهامداران جدید دریافت و به سهامدارانی که از قبل سهامدار شرکت بوده‌اند اختصاص می‌یابد به این سهم، حق امتیاز سهم نیز می‌گویند.
۲۸۲. سهام شرکت متعلق به سهامداران است و قابل توقیف در قبال بدهی‌های شرکت نیست زیرا شخصیت حقوقی شرکت مستقل از شخصیت صاحبان سهام است.
- ✓ ولی اموال شرکت قابل توقیف در قبال بدهی شرکت است.
۲۸۳. صدور ورقه سهم قبل از احراز پذیرهنویسی کلیه سرمایه و تأدیة مبلغ لازم ممنوع و مستوجب مجازات است.
۲۸۴. تا وقتی که شرکت سهامی عام پس از تشکیل به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهی‌نامه موقت سهم ممنوع است.
۲۸۵. هرگاه شرکت پس از ثبت آمادگی صدور اوراق سهام را نداشته باشد مکلف است تا زمانی که اوراق سهام صادر نشده است برای تعهدکنندگان این‌گونه سهام گواهینامه موقت سهام صادر کند.
- ✓ گواهینامه موقت سهام می‌تواند به صورت بانام یا بی‌نام باشد.

۲۸۶. صدور گواهی نامه موقت بی نام موکول به این است که علاوه بر ثبت شرکت، تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت شده باشد.

۲۸۷. مادام که تمام مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور ورقه سهم بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام ممنوع است.

✓ به تعهد کنندگان این گونه سهام گواهی نامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است. (صدور گواهی نامه موقت سهم یا ورقه سهم قبل از ثبت شرکت ممنوع است در صورت صدور و ضرر به شخص ثالث، امضاء کنندگان ورقه سهم مسئول این خسارت هستند).

۲۸۸. گواهی نامه موقت سهم معرف تعداد سهام، نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن است.

۲۸۹. گواهی نامه موقت سهم در حکم سهم است.

۲۹۰. در هر حال ظرف مدت یک سال از پرداخت تمام مبلغ اسمی سهم باید ورقه سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهی نامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

✓ هرگاه قبل از ثبت شرکت اوراق سهامی صادر شود علاوه بر باطل بودن اوراق مزبور، امضاء کنندگان مسئول جبران خسارت اشخاص ثالث خواهند بود.

۲۹۱. هرگاه شرایط شکلی راجع به صدور گواهی نامه موقت سهم رعایت نشده باشد، گواهی نامه مزبور باطل است.

۲۹۲. مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود، در غیر این صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت کند و تشکیل دهد.

✓ وگرنه هر ذی نفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند.

۲۹۳. مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام باید حداکثر در ظرف مدت پنج سال صورت گیرد.

۲۹۴. مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.

۲۹۵. هرگاه شرکت سهامی، مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند و ظرف مهلت مقرر این پرداخت صورت نگیرد، شرکت می تواند این گونه سهام را از طریق بورس یا مزایده بفروشد.

۲۹۶. فقط در مورد سهامی که تمام مبلغ تعهد شده آن‌ها پرداخت نشده و به ترتیب مقرر مطالبه و در داخل مهلت مقرر، بقیه مبلغ تعهد شده آن‌ها پرداخت نشده باشد شرکت سهامی می‌تواند سهام، سهام‌دار را بدون رضایت او از طریق بورس یا مزایده بفروشد.

۲۹۷. فروش سهام باید در روزنامه کثیرالانتشار آگهی شود.

۲۹۸. عمده فعالیت‌های شرکت سهامی به علت کثرت اعضاء و سهامداران باید آگهی شود.

۲۹۹. در شرکت سهامی هرگاه مبلغ پرداخت نشده سهام مطالبه شود و مبلغ مورد مطالبه در مهلت مقرر پرداخت نشود، دارندگان سهام مذکور، حق حضور و حق رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت.

✓ و در احتساب حدنصاب تشکیل مجمع عمومی تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد.

✓ به‌علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این‌گونه سهام معلق می‌شود (نسبت به کل سهام این اشخاص نه فقط درصد پرداخت نشده، مثال اگر ۵۰ درصد مبلغ را نپرداخته باشد نسبت به کل سهم یعنی ۱۰۰ درصد سهم معلق می‌شود نه فقط ۵۰ درصد پرداخت نشده). یک نسخه از آگهی فروش که فقط یکبار منتشر می‌شود با پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می‌شود اگر قبل از تاریخی که برای فروش معین شده تمام بدهی‌های مربوط به سهام اعم از اصل و خسارت را بپردازد شرکت از فروش خودداری خواهد کرد.

۳۰۰. سهم بی‌نام به‌صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود مگر خلاف آن ثابت گردد.

۳۰۱. گواهی‌نامه موقت سهام بی‌نام، در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد.

۳۰۲. نقل و انتقال سهام بی‌نام در شرکت‌های سهامی عام با قبض و اقباض به عمل می‌آید.

۳۰۳. انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و الا از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است ولی در رابطه طرفین معتبر می‌باشد.

۳۰۴. انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت‌ها به ثبت برسد وگرنه از نظر شرکت، انتقال‌دهنده هنوز سهامدار است (چون سهام در دفتر ثبت سهام شرکت هنوز به اسم اوست) و انتقال‌گیرنده حق شرکت در مجامع را هم نخواهد داشت.

۳۰۵. سهامداران می‌توانند سهام خود را حتی در صورت انحلال یا ورشکستگی شرکت نیز انتقال دهند.

۳۰۶. در شرکت سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.

۳۰۷. در شرکت سهامی خاص نقل و انتقال سهام می‌تواند منوط به موافقت مدیران یا مجامع عمومی شود.

۳۰۸. شرکت سهامی خاص نمی‌تواند حق انتقال صاحبان سهم را به‌طور مطلق از او بگیرد. بلکه این بدین معناست که شرکت باید با ورود منتقل‌الیهی که انتقال‌دهنده معرفی می‌کند موافقت کند.

۳۰۹. تشکیل بانک تنها در قالب شرکت سهامی عام با سهام بانام ممکن خواهد بود.

۳۱۰. تعهد پرداخت ناشی از مالکیت سهم است و با ورقه سهم منتقل می‌شود. (در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی سهم، آن سهم به دیگری منتقل شود).

۳۱۱. هرکس تعهد ایتباع سهمی را کرده باشد مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می‌باشد.

۳۱۲. هر شرکت سهامی می‌تواند به‌موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد.

۳۱۳. شرکت سهامی خاص می‌تواند با تصویب کلیه سهامداران، سهام ممتاز ترتیب دهد.

۳۱۴. هر تصمیمی که در زمان تشکیل شرکت سهامی خاص گرفته شود باید به امضای کلیه سهامداران برسد. (تصمیماتی مانند انتخاب مدیر و بازرس و ترتیب دادن سهام ممتاز و...).

۳۱۵. ارزش اسمی سهام ممتاز با ارزش اسمی سایر انواع سهام یکسان است.

۳۱۶. امتیازاتی که برای سهام ممتاز در نظر گرفته می‌شود شامل امتیارات مالی و غیرمالی می‌شوند.

۳۱۷. امتیارات مالی سهام ممتاز شامل: اختصاص درصد معینی از سود به سهامداران ممتاز، حق تقدم در طرف معامله شدن با شرکت، تقدم در خرید سهام جدید و موارد مشابه است.

۳۱۸. امتیارات غیرمالی سهام ممتاز شامل حق رأی اضافی و مواردی از این دست می‌باشد.

۳۱۹. امتیازات سهام ممتاز و نحوه استفاده از آن باید به‌طور وضوح تعیین گردد.

۳۲۰. سهام ممتاز قابل انتقال‌اند و قائم به شخص نمی‌باشند و معمولاً با نام می‌باشند.

۳۲۱. نقل و انتقال سهام ممتاز مانند سهام عادی است، البته ممکن است در اساسنامه انتقال این نوع سهام را مشروط به شرایطی کرد که در صورت انتقال، امتیازات سهام کأن لم یکن تلقی شود.
۳۲۲. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یا جلب موافقت دارندگان نصف + یک این‌گونه سهام انجام گیرد.
۳۲۳. تصویب سهام ممتاز در صلاحیت، مجمع عمومی مؤسس به‌موجب اساسنامه و مجمع عمومی فوق‌العاده با تغییر اساسنامه است.
۳۲۴. سهام عادی و ممتاز جزو سهام سرمایه‌ای می‌باشند.
۳۲۵. سهام مؤسس باید در اساسنامه شرکت قید شود که در صورت پذیرش آن از طرف پذیرهنویسان و تصویب در مجمع عمومی مؤسس قطعی می‌شود.
۳۲۶. دارنده سهام مؤسس نه طلبکار شرکت و نه شریک شرکت است. در واقع سهم مؤسس حق ویژه‌ای است که فقط در صورت تحقق به صاحب آن تعلق خواهد گرفت، همچنین این حق، حق مالی و قابل نقل و انتقال بر مبنای مقررات عام است.
۳۲۷. تغییر در سهام مؤسس در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده (با تغییر اساسنامه) و تصویب توسط خود دارندگان سهام با حضور لااقل نصف آن‌ها در نوبت اول و لااقل یک‌سوم آن‌ها در نوبت دوم (در صورت عدم تحقق حدنصاب در نوبت اول) است. تصویب با اکثریت دوسوم آراء می‌باشد.
۳۲۸. تغییر و تبدیل سهام از بانام به بی‌نام در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.
۳۲۹. تبدیل سهام بی‌نام به سهام بانام باید سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز آگهی شود و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهم داده می‌شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند.
- ✓ در آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی‌نام شرکت باطل شده تلقی می‌گردد و برابر تعداد آن‌ها سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد، از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد.
۳۳۰. از حاصل فروش سهامی که بر طبق آنچه در بالا گفته شد فروخته شده بدو هزینه‌هایی از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق‌الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده می‌شود.

✓ در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود، مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال، باقیمانده سهام در حکم مال بلا صاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان به خزانه دولت منتقل گردد.

۳۳۱. برای تبدیل سهام بانام به سهام بی‌نام مراتب فقط یک مرتبه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن‌ها آگهی می‌شود منتشر می‌شود و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می‌شود تا برای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه نمایند. ✓ پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهامی که تبدیل نشده است سهام بی‌نام صادر و در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام مراجعه کنند سهام بانام آن‌ها اخذ و ابطال و سهام بی‌نام به آن‌ها داده شود.

۳۳۲. دارندگان سهامی که بر طبق موارد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت.

۳۳۳. شرکت سهامی در هر مورد پس از تبدیل سهام باید مرجع ثبت شرکت‌ها را کتباً مطلع سازد.

۳۳۴. خرید سهام توسط خود شرکت باطل است. چه به‌طور مستقیم و چه از طریق شخص ثالث و به حساب شرکت باشد.

۳۳۵. بازخرید سهام توسط شرکت سهامی به این صورت که با پرداخت قیمت سهام مزبور، سهامداران از شرکت خارج و سهام آن‌ها توسط شرکت باطل شود صحیح می‌باشد.

۳۳۶. خرید سهام شرکت مادر توسط شرکت وابسته به این علت که شخصیت حقوقی مستقلی دارند مجاز است.

۳۳۷. خرید سهام در مورد استهلاک سهام یا سرمایه توسط خود شرکت مجاز است.

۳۳۸. تفاوت اساسی کاهش سرمایه با استهلاک سرمایه در این است که در کاهش سرمایه اصل سرمایه به صاحبان آن مسترد می‌شود، در حالی که استهلاک سرمایه یا سهام، سرمایه برجای خود باقی است و ارزش سهام مستهلک شده از اندوخته‌های اختیاری یا سود قابل تقسیم داده می‌شود.

اوراق قرضه

۳۳۹. ورقه قرضه، ورقه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغی وام با بهره معین می‌باشد که تمام آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معین باید مسترد گردد.
۳۴۰. برای ورقه قرضه علاوه بر بهره ممکن است حقوق دیگری نیز شناخته شود، حقوقی مانند تضمین خاص برای بازپرداخت طلب ناشی از اوراق قرضه.
۳۴۱. اوراق قرضه را تنها شرکت سهامی عام می‌تواند منتشر کند.
۳۴۲. انتشار اوراق مشارکت توسط شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت تعاونی تولیدی (نه توزیعی) مجاز است.
۳۴۳. تنها شرکت سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس می‌تواند اوراق مشارکت قابل تعویض یا تبدیل به سهام منتشر کند.
۳۴۴. اوراق مشارکت در قانون خاص پیش‌بینی شده و در صورت تعارض با مقررات اوراق قرضه، مقررات اوراق قرضه را نقض می‌کند.
۳۴۵. دارندگان اوراق قرضه در امور شرکت حق هیچ‌گونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می‌شوند.
۳۴۶. پذیره‌نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نیست.
۳۴۷. انتشار اوراق قرضه در صورتی ممکن است که کلیه سرمایه ثبت‌شده شرکت تأدیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد.
۳۴۸. انتشار اوراق قرضه در صورتی که کلیه سرمایه ثبت‌شده شرکت تأدیه نشده باشد ممکن نیست.
۳۴۹. هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش‌بینی نشده باشد، مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش بازرسان، انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین می‌کند.
۳۵۰. اساسنامه یا مجمع عمومی می‌تواند به هیأت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید.